



خادوی ادبی پائولو کوئلیو

ترجمه ضیاء قاسمی

سی‌ان‌ان اخیراً گزارشی از این جادوگر منتشر کرده که می‌خوانیم: مشهورترین جادوگر برزیل در حالی که سیگار دود می‌کند، پشت کامپیوتر سرگرم خواندن پیام‌های email است. او این روزها ابرها را از هم نمی‌شکافد و در میان جمعیت به ناگاه خود را غیب نمی‌کند، هرچند که هنوز هم راهش را بلد است. او می‌گوید: «من همیشه جادوگر بوده‌ام و همیشه جادوگر می‌مانم ولی این خقه‌ها چیز به درد بخوری نیست.»

اکنون کوئلیو به جادوی دیگری روی آورده است. او قادر است داستان‌هایی را که بیاتر تلاش و جست‌وجوی برای رسیدن به روشن‌بینی معنوی هستند به پرفروش‌ترین کتاب‌های جهان مبدل کند. کتاب‌های او تاکنون به ۴۵ زبان در ۱۲۰ کشور جهان ترجمه شده و ۲۸ میلیون نسخه از آن‌ها به فروش رفته است.

محبوبیت او همچنان فزونی می‌گیرد و در دینار اخیرش از ایران هزار و پانصد نفر از طرفدارانش برای استقبال از او در ساعت ۲ نیمه‌شب به فرودگاه رفتند. کوئلیو درباره محبوبیت چشمگیر خود می‌گوید: «بسیار فراتر از حد انتظارم بود. می‌دانید کتاب‌هایم بیشتر در کجا به فروش رفتند؟ ایران و اسرائیل! نمی‌دانم راز این امر چیست. شاید اصلاً رازی در میان نباشد. شاید دلیلش این است که من فقط سؤال‌ها را مطرح می‌کنم و جواب نمی‌دهم. درست مثل آن‌که جیتی را به شما نشان بدهم تا راه خانه خودتان را پیدا کنید.»

او می‌افزاید: «قبل از نوشتن اولین کتابم فکر می‌کردم جست‌وجوی معنوی فرایندی پیچیده است، فکر می‌کردم خاص افراد نخبه است، ولی حالا فکر می‌کنم این مسأله صرفاً جست‌وجو و مشاهده و دریافت است.»

کوئلیو در سال ۱۹۸۶ مسافت ۸۰۰ کیلومتری جاده سانتیاگو منتهی به زیارتگاهی سنتی در شمال اسپانیا را پیاده پیمود و این سفر درون‌مایه‌ی شد برای نوشتن اولین کتابش «زیارت»، کتاب بدی او «کیمیاگر» شهرتی باور نکردنی برایش به همراه داشت. در این کتاب داستان چوپانی بازگو می‌شود که جست‌وجوی معنوی را برای یافتن «افسانه شخصی» خود آغاز می‌کند. مضمون کتاب بدی او، «ورونیکا تصمیم می‌گیرد بمیره»، ماجرای تعالی معنوی در یک بیمارستان روانی است.

کوئلیو می‌گوید: «تقدیر شما افسانه شخصی شماست که مکتوب شده است. ولی غالباً ما باید با تقدیری زندگی کنیم که دیگران برایمان رقم می‌زنند. مثلاً تقدیری که پدران برای فرزندان رقم می‌زنند.»

خوانندگان آثار کوئلیو داستان‌های روان و پیام‌های ساده او را دوست دارند ولی نظر منتقدان دیگرگونه است. کوئلیو می‌گوید: «منتقدان یا نظری بسیار مساعد دارند و یا بسیار تند و منفی نظر می‌دهند. اگر منتقدان این قدر خشن نبودند کتاب‌هایم این قدر زیاد به فروش نمی‌رفتند.»

بت‌های ادبی کوئلیو «خورخه لویس بورخس» و «هنری میلر» هستند. ولی او «اولیس» جیمز جویس را «دروغ بزرگ قرن» می‌نامد و معتقد است این رمان باعث شده است مقلدان بسیاری مبادرت به نوشتن کتاب‌هایی پیچیده و غامض کنند که هیچ‌کسی آن‌ها را نمی‌خواند.

کوئلیو هر دو سال یک کتاب می‌نویسد و روزی پانزده ساعت کار می‌کند. او می‌گوید: «من همیشه شب‌ها که بسیار خسته هستم مطلب می‌نویسم. در این موقع هیچ چیزی مانع کار نمی‌شود و خودسانسوری هم صورت نمی‌گیرد و کار خیلی طبیعی‌تر انجام می‌شود.»

بی‌پاسخ ماندن این پرسش که پائولو کوئلیو جادوگر است یا عارف یا شارلاتان، چیزی از این واقعیت نمی‌کاهد که کتاب‌هایش در ده‌ها کشور جهان به فروش میلیونی رسیده‌اند. او می‌گوید که بیشترین فروش کتاب‌هایش در ایران و اسرائیل بوده، اما تناقض آن‌جا آشکار می‌شود که رقم فروش ۲۸ میلیون نسخه‌ی کتاب‌های او را با بالاترین تیراژ کتاب در ایران که در چاپ‌های مکرر هم به زحمت به نیم میلیون نسخه می‌رسد، مقایسه کنیم. آن‌گاه این گفته به شوخی تعارفی شبیه می‌شود که عارف کهنه‌کار برای خوشایند میزبانانش در ایران سرهم کرده است. او همچنان که خود را جادوگر می‌خواند، در عین حال اعتراف می‌کند که این هم حقه‌ی به درد نخور است اما هرچه هست گزارش‌ها گنگ از بیابان گردی و ور رفتن با آن چه رازهای درونی انسان و جست‌وجوی معنوی خواننده می‌شود، جادوگری ساخته که لادر است در مکانی قرار گیرد شب‌اش ۱۵ ساعت است روشن‌بینی معنوی به سهل‌ترین و سریع‌ترین شکل ممکن در انتهای از دست رفتن طاقتهاش، با هنگام خستگی مفرط، دست می‌دهد، و او سراز دراه را به بشر نشان می‌تا خود خانه‌اش را پیدا کند خودش هم میلیون‌ها دلار از کتابش را به فروش می‌رساند.